

نوزدهم شهریور، سالروز وفات آیت الله سید محمود طالقانی اولین امام جمعه تهران

آیت الله سید محمود طالقانی

زندگی نامه

سید محمود علایی طالقانی در یک شب بسیار سرد زمستانی در دهکده‌ی گلپرد طالقان بدنیا آمد. ورق‌های تقویم، 15 اسفند ماه سال 1289 را نشان می‌دادند. گلپرد یکی از دهات طالقان است. ایشان اولین فرزند پسر خانواده بود. وقتی به سن پنج سالگی رسید او را به مکتب‌خانه گلپرد نزد ملا سید تقی اورازانی فرستادند. او در سال اول، خواندن قرآن را آموخت. در سال دوم، کتاب «موش و گربه» اثر عبید زاکانی را شروع کرد. سید محمود در سن هفت سالگی سواد خواندن و نوشتن را کامل آموخت. در همان سن پدرش تصمیم گرفت به تهران مهاجرت کنند و به خانه‌ای کوچک در محله‌ی قنات آباد تهران رفت. وقتی به سن ده سالگی رسید، بنا به درخواست پدر برای تکمیل علوم دینی به شهر مقدس قم رفت. پدر درباره‌ی سید محمود به آیت‌الله حاج شیخ حائری سفارش کرد. سید محمود در ابتدا به مدرسه رضویه رفت و سپس وارد مدرسه‌ی فیضیه شد. در سال 1310 پدر ایشان مریض شدند و دارفانی را وداع گفتند. در همان سال به نجف اشرف رفت و از اساتید معروف بهره برد و پس از شش سال از عالم بزرگ آیت‌الله اصفهانی اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به ایران بازگشت. او به قم رفت و از آیت‌الله حائری اجازه اجتهاد و از آیت‌الله مرعشی اجازه‌ی حدیث گرفت.

فعالیت های سیاسی و فرهنگی

کارنامه زندگی آیت الله طالقانی به تمامی مبارزه، زندان و تبعید است. گویی شخصیت وی با سکوت و سکون نا آشنا بوده است. وی نخستین زندانی سیاسی ست که در زمان رضا شاه، به جرم دفاع از زن محببه ای که مأموران رضا شاه به وی توهین کرده، قصد برداشتن چادر وی را داشتند، دستگیر و زندانی شد. آنان عدم جواز حمل عمامه از جانب وی را بهانه دستگیری او قرار داده بودند. آیت الله طالقانی به جهت مخالفت با انقلاب سفید شاه، در بهمن 1341 دستگیر و زندانی شد. او در ایام محرم تظاهرات‌های سیاسی - مذهبی را هدایت و سخنرانی‌های پرشوری ایراد می‌کرد؛ به گونه‌ای که توسط رژیم دستگیر و زندانی شد. دستگیری وی عکس العمل بسیاری علما را به دنبال داشت از جمله امام خمینی در مورد دستگیری ایشان و برخی دیگر از اعضای نهضت آزادی در اطلاعیه‌ای نوشت: اینجانب و اشخاص با وجدان و با دیانت متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که به جرم دفاع از اسلام و قانون اساسی، محکوم به حبس های طویل المدت شده و باید با حال پیری و نقاهت در زندان، برای اطفای شهوات دیگران به سر برند.

آیت الله طالقانی علاوه بر زندان، مجازات هایی همچون تبعید را نیز تحمل کرده بود. وی مدت شش ماه در زابل و یک سال در بافت تبعید بود.

فعالیت های طالقانی گسترده و متنوع است. وی از تمامی فرصت‌هایی که گمان می‌برد، به افزایش آگاهی جوانان و بهبود بینش و نگاه آنان نسبت به اسلام کمک می‌کند، بهره می‌برد.

در سال 1320 که رضا خان تبعید شد و فضای سیاسی آزادی خوبی یافت، طالقانی با همکاری یکی از فرهنگیان، کانون اسلام را بنیان نهاد که از جمله اعضای اصلی آن مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی، حجت الاسلام عبدالحسین ابن الدین و علی اردلان بودند. در این کانون، مباحث دینی و علمی مطرح می‌شد. طالقانی تفسیر قرآن می‌گفت و بازرگان بحث علمی مطهرات در اسلام را مطرح می‌کرد. مجله دانش آموز نیز از سوی کانون منتشر می‌شد و افزون بر آن، کلاس های درس و انجمن های خیریه، برای کمک به فقرا در زمان جنگ نیز دایر شده بود.

طالقانی افزون بر جلسات کانون اسلام، در انجمن اسلامی دانشجویان نیز شرکت داشت. انگیزه اصلی وی از شرکت در این انجمن، برداشتن دیوار جدایی میان دانشجویان و طلاب علوم دینی بود. وی بیشترین ارتباط را با جوانان برقرار می‌کرد و بر این عقیده بود که باید قرآن را وارد زندگی و جامعه کرد. این انجمن، همچنین برای مقابله با تبلیغ زیاد توده ای ها و بهایی ها در میان دانشجویان تشکیل گردید و اهداف آن عبارت بود از: اصلاح جامعه بر طبق دستورات اسلام، کوشش در ایجاد دوستی و اتحاد بین افراد مسلمان، مخصوصا جوانان روشنفکر، انتشار حقایق اسلام به وسیله ایجاد موءسسات تبلیغاتی و نشر مطبوعات و مبارزه با خرافات. این انجمن از وعاظ و اساتید و نویسندگان دعوت به همکاری می‌کرد و طالقانی از جمله این افراد بود.

مسجد هدایت. ابتدا مقبره‌ی خاندان هدایت بود. آقای طالقانی در سال 1327 رسماً امام جماعت مسجد هدایت شد. بعد از سال 1332، اعضای انجمن اسلامی مهندسان و نمازگزاران پول تهیه و مسجد را بازسازی کردند. از همان سال اول تفسیر قرآن آقای طالقانی در آن مسجد شروع شد: مسجد هدایت علاوه بر جلسه تفسیر و صحبت‌های آقای طالقانی، محل دیدار دانشجویان هم بود. آنها به مناسبت‌های مختلف در مسجد جمع می شدند و به صحبت‌های آقای طالقانی گوش می دادند. در سال 1338، آقای طالقانی به همراه عده ای از دوستان، به نمایندگی از آیت‌الله بروجردی برای رساندن پیام به ایشان به شخی شلتوت، شخی دانشگاه الازهر و مفتی مصر به آن کشور رفت. هدف از آن سفر، نزدیکی بیش‌تر با علمای شیعه و اهل تسنن بود. چند سال بعد آقای طالقانی برای شرکت در کنفرانس دیگری به همراه عده‌ای دیگر به بیت‌المقدس مسافرت کرد. یکی از ک ارهای مهمی که آقای طالقانی در سال 1340 انجام داد حضور در هیأت مؤسس نهضت آزادی ایران بود. مهندس مهی بازرگان و دکتر سحابی عضو نهضت آزادی را تشکیل می‌دادند.

آقای طالقانی در مسجد هدایت به همراه آقای مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و افشاگری کارهای رژیم می‌پرداخت. اعلامیه‌های معروف آیت‌الله طالقانی معروف به دیکتاتور خون می ریزد در صدها نسخه انتشار یافت و بعدها برایش پرونده‌ای شد که او را به ده سال زندان محکوم کردند. آقای طالقانی پس از گذشت پنج سال از مدت محکومیت در روز نهم آبان سال 1346 از زندان قصر آزاد شدند. بعد از بسته شدن مسجد هدایت آقای طالقانی به مبارزات مخفی پرداخت و بار دیگر در سال 1349 شور و حال عجیبی به مسجد هدایت داد. سپس او را دستگیر کردند و او را با هواپیما به زاهدان تبعید کردند و به همراه مأموری به زابل رفت. در همان سال‌ها گروهی به نام سازمان مجاهدین خلق وارد مبارزات مسلحانه شدند. آقای طالقانی در روزهای آخر سال 1356، بدترین دوران زندان خود را گذراند. سپس در هشتم آبان‌ماه سال 1357 آزاد شد. یکی از مهمترین نظرات آقای طالقانی بعد از انقلاب طرح مسأله شوراها بود. اولین نماز جمعه تهران به امامت ایشان در 5 مرداد ماه در دانشگاه تهران برگزار شد و سپس ایشان به عنوان نماینده‌ی مردم در مجلس خبرگان انتخاب شد

رحلت

سرانجام طالقانی در بامداد نوزده شهریور 1358 دار فانی را وداع گفت. امام خمینی در پیامی که به مناسبت درگذشت وی فرستاد، چنین گفت: «... او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود. زبان گویای او، چون شمشیر مالک اشتر برنده بود و کوبنده، مرگ او زودرس بود و عمر او با برکت....».